

تأثیر خلاقیت و نوآوری مالی و رقابت بانک بر روی ارزش شرکت:

یک مطالعه ی مقایسه ای بین بانک های دولتی و خصوصی

مهدی نبی پورافروزی^۱

مهدی علی اکبرنیا عمران^۲

مصطفی یزدانجو^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷

چکیده

این مطالعه تأثیر خلاقیت و نوآوری مالی و رقابت بانک بر روی ارزش شرکت را مورد بررسی قرار می دهد. نوآوری مالی عمل خلق کردن و به وجود آوردن ابزارهای مالی جدید و همچنین فناوری های مالی جدید، موسسات مالی جدید و بازارهای مالی جدید است. این مطالعه از تکنیک بررسی سیستم روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) استفاده کرد که براساس داده های استوار است که از ۲۶ بانک های تجاری دولتی و خصوصی استخراج شده است که در کشور ایران واقع شده اند و این داده ها در طول دوره ی بین سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲ استخراج شده اند و مجموع کل ۲۸۶ مشاهده را شامل می شود. با ارائه ی نتایج این مطالعه، می فهمیم که خلاقیت و نوآوری مالی تأثیر منفی معناداری (چشمگیر و قابل ملاحظه ای) بر روی ارزش شرکت در بانک های تجاری دولتی دارد و رقابت بانکی تأثیر منفی معناداری (چشمگیر و قابل ملاحظه ای) بر روی ارزش شرکت در بانک های تجاری دولتی دارد. برعکس، خلاقیت و نوآوری مالی، تأثیر مثبت معناداری (چشمگیر و قابل ملاحظه ای) بر روی ارزش شرکت در بانک های تجاری خصوصی دارد و رقابت بانکی تأثیر مثبت معناداری (چشمگیر و قابل ملاحظه ای) بر روی ارزش شرکت در بانک های تجاری خصوصی دارد. بازده دارایی ها (ROA)، سائز و اندازه ی بانک، رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) و نرخ تورم رابطه ی معناداری (چشمگیر و قابل ملاحظه ای) با ارزش شرکت دارند. تأثیر تعاملی رقابت بانکی و خلاقیت نوآوری مالی (FI*COMP) رابطه ی مثبت و معناداری با ارزش شرکت در بانک های تجاری دولتی و خصوصی دارد. تحقیق و مطالعه ی تجربی این نظریه ی کلی را تأیید می کند که خلاقیت و نوآوری مالی یک نیروی محرکه ی واقعی پیشرفت اقتصادی، رقابتی بودن و رشد و توسعه ی اقتصادی است. برطبق این مطالعه، سیاستگذاران باید نقاط ضعفی را مورد توجه و ملاحظه قرار دهند که به وسیله ی بحران مالی در معرض دید قرار گرفته اند که در معرض چارچوب های نظارتی مالی فعلی متنوع و گوناگون برای به دست گیری ریسک های نقش و مشارکت داشتند که به وسیله ی فرآیند خلاقیت و نوآوری مالی مطرح ساخته شده است.

واژگان کلیدی

خلاقیت و نوآوری مالی، ارزش شرکت، رقابت بانک، داده های پانل پویا، بازارهای نوظهور.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم اجتماعی و رفتاری، مالی (مهندسی مالی)، دانشکده مدیریت، پردیس بین الملل ارس دانشگاه تهران، ارس، ایران.

۲. استادیار و عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی آمل.

۳. دانشجوی دکتری، گروه علوم اجتماعی و رفتاری، مالی (مهندسی مالی)، دانشکده مدیریت، پردیس بین الملل ارس دانشگاه تهران، ارس، ایران.

۱. مقدمه

صنعت بانکداری یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر اقتصادی محسوب می‌شود؛ زیرا بانک‌ها به عنوان واسطه منابع پولی در کنار بورس و بیمه از ارکان اصلی بازارهای مالی شمرده می‌شوند. بانکداری در اقتصاد ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا به دلیل توسعه نیافتن بازار سرمایه در حد لازم، در عمل این بانک‌ها هستند که عهده‌دار تأمین مالی بلندمدت نیز می‌باشند. همچنین در فرایند آزادسازی بازارهای مالی و پیوند با بازارهای جهانی، عملکرد و کارایی، شرط لازم است (دلخواه و همکاران، ۱۳۹۰). خلاقیت و نوآوری سریع در چرخه‌ی تجاری به صورت شگرفی بر روی محیط اقتصادی پویا موسسه‌های مالی تاثیر می‌گذارد (بلاش، ۲۰۱۱). فعالیت‌های اقتصادی پایه بانک‌ها از طریق خلاقیت و نوآوری مالی بسط و توسعه یافته‌اند و در نهایت نقش بسیار مهمی را در رشد اقتصادی ایفا می‌کنند و این کار را با تسهیل کردن تراکنش‌های (معاملات) مالی در تجارت بین‌الملل، تحریک کردن و برانگیختن شمول مالی، تقویت و توانمندسازی وجه ارسالی (حواله) و تحریک کردن و برانگیختن بازده مالی صورت می‌گیرد. رشد و توسعه‌ی بخش مالی در کشورهای در حال توسعه و در بازارهای نوظهور بخشی از استراتژی (راهبرد) رشد و توسعه‌ی بخش خصوصی برای تحریک کردن و برانگیختن رشد اقتصادی و برای کاهش دادن میزان فقر است. رشد و توسعه‌ی مالی در اقتصادهای نوظهور و در اقتصادهای در حال توسعه در نتیجه‌ی فرصت‌هایی ظاهر (پدیدار) می‌شود که از طریق خلاقیت و نوآوری مالی ارائه داده شده است (نبی‌پورافروزی و همکاران، ۱۴۰۱) (تاپیر، ۲۰۱۴. نداکو، ۲۰۱۶). از آنجای که بانک‌ها به عنوان مهم‌ترین عنصر بازار پولی نقش بسیار مهمی را در اقتصاد هر کشوری بازی می‌کنند، به طوری که با گسترش بازارهای مالی، فعالیت بانک‌های تجاری و تخصصی شامل دولتی و خصوصی پیوسته ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرد. بدون شک توسعه اقتصادی بدون توجه به نقش بانکداری و وظایف آن امری محال و بیهوده است (طیبی و همکاران، ۱۳۸۸). خلاقیت و نوآوری مالی به عنوان یک عامل (واسطه) تغییر اقتصادی، رشد و توسعه‌ی مالی را از طریق متنوع‌سازی سرویس‌ها و خدمات مالی شروع می‌کند و به کار می‌اندازد (مرتون، ۱۹۹۲. سیلو و پلغانوف، ۲۰۱۴) و بازده و کارایی واسطه‌گری مالی را بر می‌انگیزاند (جانسون و کواک، ۲۰۱۲). آن پیشرفت در عرصه‌ی فناوری را رونق می‌دهد و شکوفا می‌سازد (والورد و همکاران، ۲۰۰۷) و به صورت پربازده و کارآمدی منابع مالی را از طریق بازده (خروجی) تولیدی کانال جدید اختصاص می‌دهد (دواسا، ۲۰۱۴) و بنابراین رشد اقتصادی پایدار را تسریع می‌کند (سرعت می‌بخشد). بحران مالی که در سال ۲۰۰۷ شروع شده، آن عقاید و باورها را تغییر داد زیرا ریسک‌پذیری افراطی و بیش از حد در برخی از محصولات خلاقیت تخصصی، سیستم مالی را پایین آورد و عمیق‌ترین و طولانی‌ترین بحران اقتصادی از دوره رکود عظیم (بزرگ) تاکنون را تولید کرد و به وجود آورد. ابزارهای مالی پیچیده نظیر تعهدات وام‌ها و بدهی‌ها (CDOs ها)، مبادله‌های ناقص اعتباری (CDs ها) و تبدیل سرمایه به اوراق بهادار در این زمان رشد و توسعه یافتند تا مباحث و موضوعات مرتبط با تراکنش‌های اعتباری، ارزیابی مناسب ریسک را مورد توجه و ملاحظه قرار دهند و به کاهش دادن و به حداقل میزان خود رساندن عدم تقارن اطلاعات کمک کنند (توفانو، ۲۰۰۳).

ظهور و پیدایش خلاقیت و نوآوری مالی، موسسات مالی را قادر ساخته است تا مشغول ماجراجویی های مخاطره آمیز (پرخطر) شوند و سود فناوری های پرخطری را اکتساب (تحصیل) کنند که می توانند به صورت پربازده و موثری تجارت شان را تغییر شکل دهند. علاوه براین، مدرنیزاسیون معاملات و تراکنش های مالی و بهبود و پیشرفت کلی (عمومی) رفاه اقتصادی، نتیجه ی نقش مثبت خلاقیت ها و نوآوری های مالی هستند (اشبای، ۲۰۱۰). کامروزامان و جیانگو، (۲۰۱۷). بازارهای سرمایه توسعه یافته به همراه بازار مشتقات فعال نسبتاً فواید و مزایای را از خود نشان می دهد که از طریق فاکتورهای کلیدی و اصلی ای نظیر این فاکتورها صورت می پذیرد: هزینه ی پایین تر سرمایه (سرمایه گذاری)، کاهش در قیمت گذاری، کاهش قرارگیری در معرض ریسک، دسترسی وسیع تر و گسترده تر به سرمایه و بهبود و پیشرفت نقدینگی که در میان سایر چیزها (فاکتورها) قابل ذکر است. بحث استدلال تئوریک (نظری) این نظریه را مطرح می سازد که خلاقیت و نوآوری مالی باید به حرکت موثر و پربازده سرمایه کمک کند که بهبود و پیشرفت مدیریت ریسک و نقدینگی را مورد هدف قرار می دهد. آن در مدیریت موثر و انتقال مخاطره آمیز (پریسک) اعتباری نقش و مشارکت دارد، متنوع سازی بهینه ی اوراق بهادار را ارائه و پیشنهاد می دهد، هزینه ی معاملاتی (داد و ستدی) کمتر را ارائه می دهد و پخش وسیع تر و گسترده تر ریسک اعتباری را فراهم می سازد.

مطالعه ی حاضر درمورد رقابت و خلاقیت و نوآوری در صنعت بانکداری به طور شگرفی در سال های اخیر بهبود یافته و پیشرفت حاصل کرده است. مطالعه ی صورت گرفته توسط هینسون و همکارانش (۲۰۰۶) به صورت انتقادی و بسیار مهمی توضیح داد که برخی از عرصه ها و بخش های دارای رقابت شدید در صنعت بانکداری، جنبه ی رشد و توسعه ی محصول است. بانک های تجاری که سرویس ها و خدمات مالی جدیدی را معرفی کردند، به خصوص آن هایی که ICT محور (مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات) هستند، از این توسعه ها نفع و فایده برده اند که رقابت شدید (ویژه) و خلاقیت ها و نوآوری های جدیدی (ویژه ای) را در عرصه ی صنعت بانکداری به وجود آورده است (نبی پورافروزی و همکاران، ۱۴۰۱). مطالعه ی حاضر برخی از چشمگیرترین و قابل ملاحظه ترین و انتقادی ترین مباحث و موضوعات در زمینه ی ادبیات تحقیق تئوریک را بر اساس هسته ی بین خلاقیت و نوآوری مالی، رقابت بانک و ارزش شرکت در بافت کشورهای نوظهور در این عرصه و کشورهای در حال توسعه در این عرصه ارائه می دهد. این مطالعه یک ابزار ضروری و اساسی را به تنظیم کنندگان ارائه و پیشنهاد می دهد و به شکاف موجود در ادبیات تحقیق معاصر پل می زند و این کار را از طریق تخمین ها و برآوردهای قدرتمندی انجام می دهد تا یافته های نتیجه گیری کننده را تولید نماید. این مطالعه مفاهیم و جزئیات ضمنی را به ابداع کنندگان و مخترعان موسسه ای و فردی ارائه می دهد البته زمانی که آنها انتخاب های مهم و حیاتی سرمایه گذاری را انجام می دهند. بقیه قسمت های این مطالعه به این صورت سازماندهی شده - اند: بخش دوم بر روی بررسی ادبیات تحقیق متمرکز است، بخش سوم روش تحقیق را توضیح می دهد، بخش چهارم راجع به یافته های تحقیق بحث و گفتگو می کند و قسمت نتیجه گیری به این تحقیق پایان می بخشد.

۲. مروری بر ادبیات تحقیق

خلاقیت و نوآوری مالی یک موضوع هسته‌ای و اصلی برای محققان بوده است که این امر به خاطر نقش و مشارکت مهم آن در رشد اقتصادی و ثبات سیستم‌های مالی بوده است. محصولات مالی جدید نظیر تبدیل سرمایه به اوراق بهادار، اعتقاد بر این است که پتانسیل (توان) شگرفی برای متنوع سازی و مدیریت (کنترل) کارآمد و پربازده ریسک دارند. تاثیر واقعی خلاقیت و نوآوری مالی بر روی ثبات بانک‌ها در اقتصادهای توسعه یافته به طور وسیع و گسترده ای مورد سوال قرار گرفته است (اینشفجورد، ۲۰۰۵، تاکور، ۲۰۱۲، کرو، ۲۰۱۳). در بازارهای رقابتی امروزی، ضرورت دارد که سازمان‌ها همواره یگ گام جلوتر از رقبا خود باشند، بنابراین سازمان‌ها تلاش می‌کنند که پیوسته برتری رقابتی خود را حفظ کنند. فشارهای فزاینده محیطی و تحولات فراگیر سازمان‌ها را با چالش‌های گوناگونی روبرو ساخته است که ناکارآمدی نگرش‌ها، سیستم‌ها و ابزارهای مدیریتی قدیمی کاملاً آشکار شده است، چرا که با رویکردهای سنتی نمی‌توان در بازاری که تمامی قواعد حاکم بر آن دگرگون شده است، به رقابت پرداخت. هر شرایطی ابزار خود را می‌طلبد و طراحی سازمانی که بتواند نتایج عملکرد برتر، پایدار و فراتر و انتظارات ذی‌نفعان را فراهم کند، یک ضرورت است (سجادی و همکاران، ۱۴۰۱). با این وجود، شکاف‌های متعدد و بی‌شماری در فهم و شناخت هسته‌ی ارزش شرکت-خلاقیت و نوآوری مالی می‌ماند که چشم‌انداز لازم را برای تحقیق و پژوهش بیشتر فراهم می‌سازد که این برخلاف بدنه‌ی قابل ملاحظه‌ی کار است. در ابتدا، تلفیق تئوریکی و تجربی بسیار کمی دیده می‌شده است زیرا ادبیات تحقیق حاضر درخصوص خلاقیت و نوآوری مالی با دیدگاه‌های ناقص قطعه قطعه و بخش بخش شده است (نبی‌پورافروزی و همکاران، ۱۴۰۱) (هوسر و همکاران، ۲۰۰۶). متعاقب آن، یک مبحث و موضوع حیاتی در این خصوص دیده می‌شود: تعیین و مشخص کردن نقش معنادار (چشمگیر و قابل ملاحظه) خلاقیت و نوآوری مالی و رقابت بانک در ارزش شرکت به‌طور گسترده‌ای به همان صورت باقی مانده است و در ادبیات تحقیق نادیده گرفته شده است (هانسنس و همکاران، ۲۰۰۹)؛ بنابراین، موضوع خلاقیت و نوآوری مالی و رقابت یک نظریه‌ی کلی نسبتاً جدید در اقتصادهای نوظهوری در صنعت بانکداری ایران نظیر بانک‌های تجاری دولتی و خصوصی است. آخیسار و همکارانش (۲۰۱۵) اثرات عملکرد سوددهی (سودآوری) سرویس‌ها و خدمات بانکداری الکترونیک محور (مبتنی برالکترونیک) بانک را مورد تحقیق قرار دادند. اثرات عملکرد ROA و ROE داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند که ۲۳ سرویس و خدمات بانکداری الکترونیک کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۳ هستند که با استفاده از روش‌های داده‌های پانل پویا صورت گرفته است. ماهیت خلاقیت سرویس‌ها و خدمات بانکداری الکترونیک، عملکرد اجرایی بانک را به طور چشمگیر و قابل ملاحظه‌ای نشان خواهد داد. هم روش تجزیه و تحلیل و هم شمول (درگیری) داده‌های بانکی کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه، واضح‌ترین و آشکارترین تفاوت‌های این مطالعه با مطالعات مشابه در ادبیات تحقیق هستند. نتایج حاصله نشان دادند که سوددهی بانک در کشورهای توسعه یافته و در کشورهای در حال توسعه که تحت تاثیر نسبت تعداد شعبه‌ها و به تعداد دستگاه‌های خودپرداز قرار گرفتند، فوق‌العاده

معنادار (چشمگیر و قابل ملاحظه‌ی) است و سرویس‌ها و خدمات بانکی (بانکداری) الکترونیک نیز معنادار (چشمگیر و قابل ملاحظه‌ی) هستند. نتایج حاصله نشان دادند که برخی از متغیرها شناسایی شدند که در تقابل با رابطه‌ی منفی مورد انتظار (مدنظر) هستند که این امر به خاطر تنوع در سطح (مقدار) رشد و توسعه‌ی کشورها است و همچنین به خاطر ساختار اجتماعی- فرهنگی و زیرساخت بانکداری الکترونیک. گیچونگو و اولوکو (۲۰۱۵)، درصد آن بود تا رابطه‌ی بین خلاقیت و نوآوری‌های بانکی و عملکرد مالی بانک‌های تجاری در کشور کینا را بین سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳ ایجاد کند. این مطالعه به طور خاص درصدد آن بود تا تاثیر بانکداری تلفن موبایل (همراه)، بانکداری دستگاه خودپرداز، بانکداری آنلاین (Online) و بانکداری عامل / واسطه‌ی (agency) بر روی عملکرد مالی بانک‌های تجاری در کشور کینا را ایجاد و پایه‌ریزی کند. این مطالعه پی‌ریزی کرد که خلاقیت‌ها و نوآوری‌های بانکی شناسایی شده، یعنی دقیقاً بانکداری تلفن همراه (موبایل)، بانکداری آنلاین، بانکداری واسطه‌ی و بانکداری دستگاه خودپرداز، تاثیر مثبتی بر روی عملکرد مالی بانک‌های تجاری در کشور کینا در طول پنج سال داشتند که این دوره بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ بوده است.

چروتیچ و همکاران (۲۰۱۵) سعی کردند تا تاثیر خلاقیت‌ها و نوآوری‌های مالی بر روی عملکرد مالی بانک‌های تجاری در کشور کینا را پایه‌ریزی (ایجاد) کنند. این مطالعه به داده‌های ثانویه تکیه کرد. این مطالعه یک اتفاق نظر را پذیرفت که بر طبق آن همه‌ی ۴۴ بانک در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفتند و هیچ گونه نمونه‌برداری مشاهده نشده زیرا اندازه جمعیت (جامعه آماری) کوچک بود (چروتیچ و همکاران، ۲۰۱۵). این مطالعه دریافت که رابطه‌ی قوی و نیرومندی بین خلاقیت و نوآوری‌های مالی و عملکرد مالی وجود دارد. این مطالعه نتیجه‌گیری کرد که خلاقیت‌ها و نوآوری‌های مالی تاثیر مثبتی بر روی عملکرد مالی دارند. بر اساس این نتایج، این مطالعه توصیه می‌کند که اطلاعات در زمینه‌ی خلاقیت و نوآوری مالی باید موجود و در دسترس باشند، به ویژه برای بخش‌های نظارتی (تنظیم کننده) و بخش‌های مشاوره جهت راهنمایی بانک‌های تجاری در صورتی که به آن نیاز داشته باشند. هزینه‌ها و مخارج تحقیق و توسعه به خلاقیت و نوآوری برای هر شرکتی می‌انجامد (منجر می‌شود) اما بر روی عملکرد مالی و ریسکی بودن شرکت هم در آن واحد تاثیر می‌گذارد. رابطه‌ی بین خلاقیت و نوآوری، ریسکی بودن شرکت و عملکرد مالی در این مطالعه مورد بحث و گفتگو قرار گرفته‌اند. کورتز و همکارانش (۲۰۱۵)، مقایسه‌ی کشوری خلاقیت و نوآوری و عملکرد مالی شرکت‌های الکترونیک را مورد تحقیق قرار دادند. این مطالعه بر روی کشورهای ایالات متحده آمریکا، ژاپن، کره و تایوان برای دوره‌ی زمانی بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ متمرکز است و از داده‌های پانل (Panel) استفاده می‌کند. یافته‌ها نشان دادند که یک رابطه‌ی مثبت و معنادار (چشمگیر و قابل ملاحظه) بین هزینه‌ی تحقیق و توسعه، سرمایه‌های ناملموس و عملکرد مالی وجود دارد. صید و همکارانش (۲۰۱۶) تاثیر خلاقیت و نوآوری بر روی عملکرد مالی را تعیین و مشخص کردند و همچنین به تاثیر خلاقیت و نوآوری بر روی ریسکی بودن شرکت‌ها نظر افکندند. این تحقیق بر روی خلاق‌ترین شرکت‌ها بر طبق نظر مجله‌ی Forbes در دوره‌ی بین سال‌های ۲۰۱۲-۱۹۹۸ ترتیب داده شد. یافته‌های آن‌ها رابطه‌ی مثبت،

معنادار (چشمگیر و قابل ملاحظه) و قدرتمندی بین خلاقیت و نوآوری و عملکرد مالی را نشان دادند که متناسب و سازگار با ادبیات تحقیق موجود است. از طرف دیگر، تاثیر خلاقیت و نوآوری بر روی ریسکی بودن مثبت و معنادار (چشمگیر و قابل ملاحظه) است که نشان می‌دهد که شرکت‌های خلاق‌تر، پرخطرتر (ریسکی‌تر) هستند و در نهایت قابلیت سوددهی (سودآوری) برای آن شرکت‌ها افزایش یافته است. خلاقیت و نوآوری به طور گسترده‌ای به عنوان یکی از مهمترین منابع مزیت رقابتی پایدار در یک محیط بیش از پیش در حال تغییر در نظر گرفته می‌شود (قلمداد می‌شود) زیرا به بهبود و پیشرفت محصول و فرآیند (فرآیند تولید) منتهی می‌شود، پیشرفت‌های مداوم و مستمری را به وجود می‌آورد که به شرکت‌ها کمک می‌کند که به حیات خود ادامه دهند (دوام بیاورند)، به شرکت‌ها اجازه می‌دهد که سریع‌تر رشد کنند، موثرتر و پربازده‌تر باشند و در نهایت سودآورتر از شرکت‌های غیرخلاق باشند. آتالای و همکارانش (۲۰۱۳) رابطه‌ی بین خلاقیت و نوآوری و عملکرد اجرایی را مورد تحقیق قرار دادند. تحقیق میدانی و پیمایشی این مطالعه بر روی مدیران سطح بالای ۱۱۳ شرکتی ترتیب داده شد که در صنعت عرضه کننده‌ی اتوماسیون (اتومبیل/خودرو) فعالیت می‌کردند که یکی از خلاق‌ترین صنایع در کشور ترکیه از سال ۲۰۱۱ است. داده‌های بدست آمده از پرسشنامه‌ها از طریق برنامه‌ی نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل شرح و توضیح دادند که خلاقیت و نوآوری تکنولوژیکی (خلاقیت و نوآوری محصول و خلاقیت و نوآوری فرآیند) تاثیر معنادار (چشمگیر و قابل ملاحظه) و مثبتی بر روی عملکرد شرکت دارد، اما هیچ‌گونه دلیل و مدرکی برای وجود یک رابطه‌ی معنادار (چشمگیر و قابل ملاحظه) و مثبت بین خلاقیت و نوآوری غیر تکنولوژیکی (خلاقیت و نوآوری سازمانی و خلاقیت و نوآوری بازاریابی) و عملکرد شرکت شناسایی نشد. این مطالعه‌ای که توسط دیوالی و شائو (۲۰۱۳) صورت گرفت، به لحاظ تجربی پیشنهاد داد که خلاقیت و نوآوری مالی می‌تواند در بی ثباتی و ناپایداری ناخواسته‌ی سیستم مالی نقش و مشارکت داشته باشد. فام و کودوس (۲۰۲۱) تاثیر فعالیت‌های خلاقیت و نوآوری بر روی بازده و کارایی شرکت را مورد بررسی قرار دادند و این کار را با استفاده از داده‌های پانل چهارده شرکت سرمایه‌گذاری و نه شرکت فناوری از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۱۹ در کشور ویتنام انجام دادند.

فرضیه‌ی عملکرد ساختاری- ترتیبی (SCP) بحث و استدلال می‌کند که شرکت‌ها سودهای بالاتری را در یک بازار متمرکز به نسبت (در مقایسه با) یک بازار رقابتی به دست می‌آورند که این امر به خاطر تبانی و سلطه است این مطالعه به این نکته دلالت دارد که رابطه‌ی مثبت بین تمرکز بازار و سوددهی بانک‌ها وجود دارد (هاسن و همکاران، ۲۰۱۵). هو و ژی، (۲۰۱۶). مطالعات قبلی از نظر تجربی از فرضیه‌ی SCP (باتی و حسین، ۲۰۱۰) در صنعت بانکداری پاکستان حمایت می‌کنند. تحقیقات و مطالعات توسط کاماو و ور (۲۰۱۳) بر روی فاکتورهایی ترتیب داده شد که عملکرد بانک در کشور کینا را به حرکت می‌اندازند. این یافته نشان داد که قدرت ساختار/ سازش و تبانی، منبع عملکرد اجرایی برتر است. یافته‌های بدست آمده توسط تان و فلوروس (۲۰۱۴) نشان دادند که یک رابطه‌ی منفی بین رقابت و سوددهی در صنعت بانکداری کشور چین وجود دارد. به طور مشابه، یک رابطه‌ی منفی بین رقابت و سوددهی (سودآوری) در یک مطالعه‌ی

تجربی وجود دارد که توسط اودین و سوزوکی (۲۰۱۴) با استفاده از داده های بخش بانکداری از کشور بنگلادش ترتیب داده شد. مطالعه ی صورت گرفته توسط رحمان و همکارانش (۲۰۲۱) رابطه ی بین خلاقیت و نوآوری مالی و عملکرد مالی ۴۲ بانک تجاری در کشور کینا را مورد بررسی قرار داد. نتایج حاصله نشان دادند که خلاقیت و نوآوری های مالی به طرز معناداری (چشمگیر و قابل ملاحظه) در عملکرد مالی بانک نقش و مشارکت داشتند و فاکتورهای خاص شرکت در تعیین و شناسایی عملکرد مالی فعلی شرکت مهم تر (حائز اهمیت تر) هستند تا فاکتورهای صنعت. بودها توکی و همکارانش (۲۰۲۰) رقابت بانک در کشور نپال را مورد سنجش و ارزیابی قرار دادند و این سنجش را با استفاده از مدل Panzar-Rosse انجام دادند و دریافتند که تغییر شکل سیستم مالی از رقابت تک سیاستی به رقابت کامل، بازده و کارایی و ثبات را در کشور نپال به همراه دارد (به وجود می آورد). مطالعات بیشتر نشان دادند که یک بازار متمرکز کمتر احتمال دارد که به بحران مالی یا بحران بانکداری بینجامد (منتهی شود) (بک و همکاران، ۲۰۰۶. بوید و همکاران، ۲۰۰۴). مطالعه ی صورت گرفته توسط کاسو و همکارانش (۲۰۱۰) نشان داد که ثبات مالی بانک ها زمانی به شدت (به طرز حاد و شدیدی) تحت تاثیر قرار می گیرد که محرک های کمتری برای بانک ها در تخصیص، کنترل و بازنگری و غربالگری وام ها وجود داشته باشد که این امر به علت افزایش شدید در میزان رقابت بانک ها است. رابطه ی بین رقابت و ثبات مالی توسط آندریس و کاپورو (۲۰۱۳) در بخش بانکداری اتحادیه ی اروپا برای دوره ی زمانی بین سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ مورد تحقیق قرار گرفت تا تایید و تصدیق کند که آیا این نظریه ی کلی که افزایش رقابت در رابطه با یک بازار مجزای اتحادیه ی اروپا شبیه به موضوع (مبحث) ثبات مالی سیستم مالی اروپا است یا خیر. یافته های این مطالعه، دیدگاه ثبات رقابت را در مورد اتحادیه ی اروپا معتبر دانستند (معتبر تشخیص دادند) البته به استثنای گروه کشورهای عضو جدید.

۳. روش تحقیق

۳.۱. داده ها و تعریف متغیرها

تخمین و برآورد داده های پانل پویا در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است که با تمرکز خاص و ویژه بر روی صنعت بانکداری در کشور ایران می باشد که از هیجده بانک های تجاری خصوصی کشور و از هشت بانک های تجاری دولتی تشکیل می شود و این مطالعه برای دوره ی زمانی بین سال های ۲۰۱۲-۲۰۲۲ صورت گرفت که در مجموع ۲۸۶ مشاهده را شامل می شد. این مطالعه بر طبق فراهم و در دسترس بودن واحدها، از بین بانک های تجاری دولتی و خصوصی موجود در کشور تعداد هشت بانک های تجاری دولتی، ۱۸ بانک های خصوصی را از کشور انتخاب کرد. متغیرها از صورت گزارش های غیرتلفیقی و غیریکپارچه ی بانک منبع شان به دست آمد، درحالی که متغیرهای اقتصاد کلان منبع شان از شاخص های بانک مرکزی به دست آمد.

۳.۱.۱. ارزش شرکت

ارزش کل کسب و کار یا ارزش شرکت، یک مقیاس اندازه گیری اقتصادی است که ارزش بازار یک شرکت تجاری را منعکس می سازد. این مطالعه ارزش کسب و کار را برگزید تا ارزش کلی بازار را به عنوان یک مقیاس اندازه گیری

اقتصادی بدست گیرد که برای ارزشیابی شرکت مفید است تا به شناسایی شرکت‌هایی کمک کند که کم ارزش جلوه داده شده‌اند (لیف لند، ۲۰۱۱. بولار و باتناگار، ۲۰۱۳. اولالر و همکاران، ۲۰۲۰) که برخلاف سایر مطالعات می‌باشد (جیهادیت و همکاران، ۲۰۲۱. کاهو و همکاران، ۲۰۲۱) که در میان سایر موارد از پروکسی ارزش دفتر قیمت (PBV) استفاده می‌کنند. ارزش سهام ویژه + بدهی کل - وجه نقد (نقدینگی) و معادل‌های نقد + سهام تکمیل شده + حداقل سود، ارزش کسب و کار را اندازه‌گیری نمود؛ بنابراین، ارزش شرکت به این صورت اندازه‌گیری می‌شود: ارزش کسب و کار تقسیم بر درآمدهای حاصله قبل از سود، مالیات، رکود و استهلاک (EV/EBITDA).

۳،۱،۲. خلاقیت و نوآوری مالی و رقابت بانکی

این مطالعه از میزان شدت مالی تحقیق و توسعه استفاده می‌کند که اغلب اوقات به عنوان سرمایه‌ی ناملموس و بخشی از منابع تکنولوژیکی در نظر گرفته شده‌اند. این فاکتور به این صورت محاسبه می‌شود: با تقسیم میان شدت مالی تحقیق و توسعه بر عوارض و درآمد مالیاتی کل (صید و همکاران، ۲۰۱۶. کورتز و همکاران، ۲۰۱۵). دیدگاه‌های تئوریک بحث و استدلال کردند که بهره‌برداری از اقتصادهای دارای مقیاس و بازده به افزایش میزان سود منجر می‌شود. این مطالعه، ادبیات تحقیق موجود را دنبال می‌کند، نظیر دجالوف و پسپه (۲۰۱۶)، سین‌ها و شادما (۲۰۱۶) و یائو و همکارانش (۲۰۱۸) که رقابت بانکی را به این صورت اندازه‌گیری کردند (یعنی شاخص هرفیندال - هیرشمن) که به صورت مجموع مربعات بازار بانک‌های جداگانه است:

$$HHI = \sum [Assets_{it} / Assets_{nt}]^2 \quad \text{مدل (۱)}$$

که در اینجا $Assets_{it}$ نشان دهنده‌ی سرمایه‌ی بانک مجزا (جداگانه) است و $Assets_{nt}$ نشان دهنده‌ی سرمایه‌های تمامی بانک‌ها است.

۳،۱،۳. متغیرهای کنترلی

سایز (اندازه) بانک‌ها به وسیله‌ی لگاریتم طبیعی سرمایه‌ی کل اندازه‌گیری می‌شود (اسمیرلوک، ۱۹۸۵. لی و ایسا، ۲۰۱۷). ما انتظار داریم که رابطه‌ی مثبتی بین سایز (اندازه) و ارزش شرکت وجود داشته باشد رشد تولید ناخالص داخلی برای ارائه سند و مدرک (اثبات با سند و مدرک) تاثیر فاکتورهای اقتصادی کلان بر روی سود دهی بانک مورد استفاده قرار می‌گیرد (سین‌ها و شارما، ۲۰۱۶. دومیکیک و ریدزاک، ۲۰۱۳). بر طبق ادبیات تحقیق که به خوبی با اسناد و مدارک به اثبات رسیده (بر طبق ادبیات تحقیق مستند)، انتظار می‌رود که رابطه‌ی بین رشد تولید ناخالص داخلی و ارزش شرکت مثبت باشد. بانک‌هایی که درآمد مالیاتی بالاتری را آشکار می‌سازند، از نقطه نظر سرمایه‌گذار، فرصت‌های حیاتی و مهمی را در آینده ارائه می‌دهند. بر اساس شواهد و دلایل تجربی، رابطه‌ی مثبتی بین آن و ارزش شرکت وجود دارد (هویت و لین برگ، ۲۰۱۱. تاهیر و رازالی، ۲۰۱۱). این مطالعه تورم را با استفاده از تغییر سالانه‌ی شاخص قیمت مصرف کننده اندازه‌گیری می‌کند (اویه بووال، ۲۰۱۹).

۳.۲. جزئیات و مشخصات مدل

این مطالعه از داده های پانل پویا با استفاده از تکنیک بررسی سیستم روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) استفاده می کند تا با مسله ی دورن زایی درونی، ناهمسانی و مسائل و مشکلات رابطه ی همبستگی خودکار دست و پنجه نرم کند. وجود ناهمسانی یک نگرانی عمده و اصلی در تجزیه و تحلیل رگرسیون و در تجزیه و تحلیل واریانس است، زیرا آن آزمون های آماری در خصوص معناداری را نامعتبر می داند که فرض می کند که خطاهای مدل سازی همگی، واریانس یکسانی دارند. با استفاده از عامل برآورد کننده دو مرحله ی گشتاور تعمیم یافته، مباحث و موضوعات ویژه و خاص ناهمسانی در این مدل ها حاصل می شوند. قبل از تخمین و برآورد مدل پانل پویا، آزمون Sargan و آزمون Arellano-Bond برای رابطه ی همبستگی خودکار ترتیب داده می شوند تا تایید کنند که مدل ها موفق و معتبر هستند و به درستی مشخص شده اند. پذیرفتن فرضیه ی باطل یا خنثی آزمون های Arellano-Band به این نکته اشاره و دلالت دارد که مدل ها متناسب و سازگار هستند و به این نکته اشاره دارد که دو شرط برای سیستم روش گشتاورهای تعمیم یافته برآورده شده اند. مدل خط پایه در معادله ی ۲ شرح و توضیح داده شده است.

$$FV_{it} = \alpha_0 + \delta FV_{it-1} + \sum \beta_a FI_t^a + \beta_b COMP_t^a + \sum \beta_c ROA_t^c + \sum \beta_d SIZE_t^d + \sum \beta_e GDP_t^e + \sum \beta_f INFL_t^f + \sum \beta_g FI * COMP_t^g + V_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

که در این جا:

ε_{it}	شوکه های خاص بودن در شرکت i ام و در سال t ام است،
FI	نشان دهنده شاخص هرفیندال - هیرشمن است،
ROA	به بازده دارایی ها اشاره دارد،
SIZE	نشان دهنده سرمایه کل (کل سرمایه) بانک ها است،
GDP	به تولید ناخالص داخلی دلالت اشاره دارد،
INFL	نشان دهنده ی نرخ تورم است.

۴. نتایج و بحث و گفتگو

۴.۱. آمارهای توصیفی

آمار توصیفی متغیرها در جدول یک به طور خلاصه و مختصر بیان شده است.

ارزش شرکت یک میانگین ۰.۰۹۵۷۰ (۹ درصد) برای بانک های تجاری دولتی دارد، در حالی که این میانگین برای بانک های خصوصی ۰.۱۰۹۷ (۱۰٫۹ درصد) است. خلاقیت و نوآوری مالی بانک های تجاری دولتی یک میانگین معادل ۲۰ درصد دارد و میانگین بانک های خصوصی، ۱۱ درصد است. به علاوه، متوسط رقابت بانکی برای بانک های تجاری خصوصی ۸ درصد است و برای بانک های خصوصی تقریباً ۲ درصد است. این نکته به طور ضمنی به این معناست که

بانک‌های تجاری دولتی و خصوصی در هر زمینه‌ی اقتصاد، قدرت انحصاری کمتری دارند. متوسط نسبت بازده دارایی‌ها برای بانک‌های تجاری خصوصی ۲ درصد است، در حالی که متوسط بازده دارایی‌ها برای بانک‌های خصوصی ۶ درصد است. در بانک‌های تجاری دولتی، سائز (اندازه‌ی) بانک یک میانگین معادل ۱۷ میلیون دارد، درحالی که میانگین بانک‌های خصوصی، ۱۹ میلیون است. میانگین رشد تولید ناخالص داخلی برای بانک‌های تجاری دولتی ۱,۵ درصد است و برای کشور بانک‌های دولتی ۴ درصد می‌باشد. میانگین نرخ تورم در مورد بانک‌های تجاری دولتی ۱۱ درصد و در مورد بانک‌های خصوصی ۲ درصد می‌باشد.

معرفی متغیرها

FV	ارزش شرکت
FI	خلاقیت و نوآوری مالی
HHI	شاخص هرفیندال - هیرشمن
ROA	بازده دارایی‌ها
SIZE	اندازه شرکت
GDP	رشد تولید ناخالص داخلی
INFL	نرخ تورم

جدول (۱) خلاصه‌ی آمارهای توصیفی

متغیرها	تعداد	میانگین تمام بانک‌ها	انحراف از معیار استاندارد	تعداد	میانگین بانکهای تجاری دولتی	SD بانک‌ها	تعداد	میانگین بانکهای تجاری خصوصی	SD بانک‌ها
FV	۲۸۶	۰,۱۰۱۱۱	۰,۰۵۹۲۷	۱۷۶	۰,۰۹۵۷۳	۰,۰۹۸۸۶	۱۱۰	۰,۱۰۹۷۳	۰,۰۳۸۱۰
FI	۲۸۶	۰,۱۷۱۰۰	۱	۱۷۶	۰,۲۰۶۰۰	۱	۱۱۰	۰,۱۱۵۰۰	۱
COMP	۲۸۶	۰,۰۶۰۷۸	۰,۲۳۱۰۶	۱۷۶	۰,۰۸۷۸۳	۰,۲۹۰۸۹	۱۱۰	۰,۰۱۷۵۲	۰,۰۲۵۸۹
ROA	۲۸۶	۰,۰۳۹۹۷	۰,۰۶۴۱۴	۱۷۶	۰,۰۲۲۶۱	۰,۰۲۸۶۸	۱۱۰	۰,۰۶۷۷۳	۰,۰۹۰۴
SIZE	۲۸۶	۱۸,۰۸۲۱	۲,۷۰۴۵	۱۷۶	۱۷,۷۲۲۴	۳,۲۹۵۶	۱۱۰	۱۸,۶۵۷۶	۱,۰۶۹۶
GDP	۲۸۶	۰,۰۳۱۴۰	۰,۰۲۱۵۹	۱۷۶	۰,۰۲۱۷۵	۰,۰۱۵۰۷	۱۱۰	۰,۰۴۶۸۴	۰,۰۲۱۵۳
INFP	۲۸۶	۰,۰۸۰۱۳	۰,۰۵۲۳۵	۱۷۶	۰,۱۱۷۸۱	۰,۰۲۶۲۴	۱۱۰	۰,۰۱۹۸۶	۰,۰۱۰۱۵

جدول (۲) نتایج ارزش شرکت (FV) مدل سیستم گشتاورهای تعمیم یافته

بانک های خصوصی (ضریب)	تجاری مدل (۳)	بانک های تجاری دولتی مدل ۲ (ضریب)	تمامی بانک های مدل (۱) (ضریب)	متغیر
0.5459	0.1649	۰,۳۶۳۱	IVF	
0.0030	-1.1149	-۱,۳۴۱	FI	
0.0151	-1.5031	-۴,۶۵۶۵	COMP	
-0.0148	-4.359	-0.0706	ROA	
-0.0799	-6.4275	-3.9229	SIZE	
-0.0436	-5.9079	-2.5976	GDP	
-0.0102	0.4174	-0.0829	INFL	
0.0163	4.6362	-2.7649	FI *	
0.0212	-42.2199	-5.2929	COMP	
0.0212	-42.2199	-5.2929	CONS	
-2.1556 (0.0311)	-1.5368 (0.1244)	-2.4613 (0.0138)	AR1	
-0.2845 (0.7760)	1.1834 (0.2366)	0.0804 (0.9359)	AR2	
12/1852 (1.000)	0.5589 (1.000)	18.6939 (1.000)	آزمون هانسن	
1535.86 (0.000)	257.71 (0.000)	2875.87 (0.000)	آزمون F	
62	62	62	تعداد ابزارها	
110	176	286	مشاهدات	

۴,۲. بحث و گفتگو

تخمین ها و برآوردهای ضریب این تجزیه و تحلیل برای داده های جداگانه در بانک های تجاری دولتی و بانک های دولتی در جدول ۲ ارائه و نمایش داده شده اند. آزمون های تشخیصی عامل تخمین زننده ی (برآورد کننده ی) سیستم گشتاور تعمیم یافته که در جدول ۲ به طور خلاصه و مختصر بیان شده اند، این نکته را معتبر می دانند که مدل ها به طرز صحیحی مشخص شده اند، از آنجای که تعلق در ارزش شرکت معنادار (چشمگیر و قابل ملاحظه) و مثبت است، این به طور ضمنی بدان معناست که ارزش شرکت پایدار (دائمی) است. مدل تجربی ۱ به این مسله اشاره دارد که خلاقیت و نوآوری، تاثیر معنادار و منفی ای بر روی ارزش شرکت دارد. این به طور ضمنی بدان معناست که با یک کاهش یک-درصدی در میزان خلاقیت و نوآوری مالی، ارزش شرکت تا ۱۳۴ درصد افزایش خواهد یافت. کاهش خلاقیت و نوآوری غیر موفق به ارزش شرکت بالاتری منتهی خواهد شد زیرا رونق (شکوفایی) و میزان تولید و بهره وری بالا کمک می کند تا موسسات کوچک تغییر یابند و به موسسات تبدیل شوند که به اندازه ی کافی بزرگ باشند تا بیشتر در زمینه ی

رشد و توسعه و تحقیق و پژوهش مربوطه سرمایه‌گذاری کنند. این یافته برعکس یافته‌های چیپتا و موت هینجا (۲۰۱۸)، کورتز و همکارانش (۲۰۱۵) و صید و همکارانش (۲۰۱۶) است.

رقابت بانکی رابطه‌ی معنادار (چشمگیر و قابل ملاحظه) و منفی‌ای با ارزش شرکت دارد، این به‌طور ضمنی به‌دان معناست که کاهش در میزان رقابت بانکی تا یک درصد به افزایش در ارزش شرکت تا ۴۶۵ درصد منتهی خواهد شد. دلیل احتمالی آن است که سلطه‌ی بازار، سوددهی (سودآوری) در یک بازار رقابتی را کاهش خواهد داد، درحالی که برعکس این حالت، نکته‌ی مورد نظر در یک بازار متمرکز است؛ بنابراین، کاهش (پایین آوردن) رقابت ناسالم، عملکرد اجرایی برتر بانک‌ها را رونق خواهد بخشید و شکوفا خواهد ساخت. یافته‌های حاصله متناسب و سازگار با یافته‌های اودین و سوزوکی (۲۰۱۴) هستند. بازده دارایی‌ها، تاثیر معنادار (چشمگیر و قابل ملاحظه) و منفی‌ای بر روی ارزش شرکت دارد. این به منظور ضمنی به آن معناست که یک کاهش یک درصدی در میزان بازده دارایی‌ها به یک افزایش هفت درصدی در میزان ارزش شرکت منتهی خواهد شد. اندازه (سایز) بانک یک تاثیر معنادار و منفی بر روی ارزش شرکت در ضریب یک درصد دارد. این به طور ضمنی بدان معناست که با یک کاهش یک درصدی در اندازه‌ی (سایز) بانک، ارزش شرکت تقریباً ۳۹۲ درصد افزایش می‌یابد. رشد تولید ناخالص داخلی تاثیر منفی معناداری بر روی ارزش شرکت دارد. این به طور ضمنی بدان معناست که یک کاهش یک درصدی در شرایط اقتصادی ناخوشایند (نامطلوب)، ارزش شرکت را تقریباً تا ۲۵۹ درصد بهبود خواهد بخشید، البته اگر وضع به همین منوال (روال) باشد. با این وجود، نرخ تورم تاثیر منفی و معناداری (چشمگیر و قابل ملاحظه) بر روی ارزش شرکت دارد. تاثیر تعاملی خلاقیت و نوآوری مالی و رقابت بانکی تاثیر منفی و معناداری (چشمگیر و قابل ملاحظه) بر روی ارزش شرکت دارد. این به‌طور ضمنی به این مفهوم دلالت دارد که هر چقدر میزان خلاقیت و نوآوری مالی بالاتر (بیشتر) باشد، تاثیر رقابت بانک بر روی ارزش شرکت منفی‌تر است.

مدل ۲ رابطه‌ی موجود در ادبیات تحقیق بانک‌های تجاری خصوصی را مورد آزمون قرار داد و دریافت که خلاقیت و نوآوری مالی تاثیر منفی و معناداری بر روی ارزش شرکت دارد. این به‌طور ضمنی بدان معناست که با یک کاهش یک-درصدی در میزان خلاقیت و نوآوری مالی، ارزش شرکت تقریباً تا ۱۱۱ درصد افزایش خواهد یافت. خلاقیت و نوآوری مالی معبری برای بانک‌هاست تا ارزش شرکت را افزایش دهند و یک مزیت رقابتی را به دست آورند. نتیجه‌ی حاصله نشان داد که بانک‌های دارای قابلیت‌های بازار برتر می‌توانستند هزینه‌های غیرقابل برگشت مرتبط با خلاقیت و نوآوری تحقق نیافته را کاهش دهند که این کار را با استفاده از منابع مالی تولیدی‌تر در تلاش‌های مبتکرانه برای بهبود ارزش شرکت انجام می‌دهند. این یافته متضاد یافته‌های چیپتا و موتینجا (۲۰۱۸)، کورتز و همکاران (۲۰۱۵)، صید و همکاران (۲۰۱۶) و آیادین و کاراسلان (۲۰۱۴) است. رقابت بانکی تاثیر منفی و معنادار (چشمگیر و قابل ملاحظه) بر روی ارزش شرکت را نشان داد. این مسئله به این نکته اشاره دارد که با یک کاهش یک درصدی در رقابت بانکی، ارزش شرکت تقریباً تا ۱۵۰ درصد افزایش خواهد یافت. دیدگاه‌های تئوریک بحث و استدلال کرده‌اند که افزایش رقابت و بازار را در

برابر بحران فوق العاده آسیب پذیر و بی دفاع می سازد و به دین وسیله آنرا کم بازده تر می سازد و بازار به دین وسیله کمتر کارآمد و موثر خواهد بود. مفاهیم ضمنی دیگر به دین قرار هستند که بانک های تجاری در یک محیط فوق العاده رقابتی بیشتر احتمال دارد که مشغول فعالیت هایی شوند که کمتر رقابتی هستند تا سود بالاتری را تولید کنند که برای مشتریان کمتر سودمند و به صرفه است. این یافته ها متناسب و سازگار با یافته های اودین و سوزوکی (۲۰۱۴) هستند که رابطه ی منفی معناداری را با عملکرد بانک یافتند. بازده دارایی ها، تاثیر منفی معناداری (چشمگیر و قابل ملاحظه) بر روی ارزش شرکت دارد. این مسئله پیشنهاد می دهد که یک کاهش یک درصدی در میزان سوددهی (ROA)، ارزش شرکت را تا ۴۳۵ درصد افزایش خواهد داد. اندازه ی بانک هیچ گونه تاثیر معناداری بر روی ارزش شرکت ندارد. رشد تولید ناخالص داخلی تاثیر منفی معناداری بر روی ارزش شرکت دارد. نرخ تورم نیز تاثیر مثبت معناداری بر روی ارزش شرکت دارد. این مسئله پیشنهاد می دهد که یک بهبود و پیشرفت یک درصدی در نرخ تورم به یک بهبود و پیشرفت تقریباً ۴۱ درصدی در ارزش شرکت منتهی خواهد شد. تاثیر تعاملی خلاقیت و نوآوری مالی و رقابت بانکی تاثیر مثبت و معناداری بر روی ارزش شرکت دارد. این به طور ضمنی بدان معناست که هر چقدر خلاقیت و نوآوری مالی بالاتر باشد، تاثیر رقابت بانکی بر روی ارزش شرکت مثبت تر است. در مدل ۲ نشان داده شده که خلاقیت و نوآوری مالی تاثیر مثبت و معناداری (چشمگیر و قابل ملاحظه) بر روی ارزش شرکت در بانک های خصوصی دارد. این به طور ضمنی به آن معناست که با یک بهبود و پیشرفت یک درصدی در میزان خلاقیت و نوآوری مالی، ارزش شرکت در حدود ۳ درصد افزایش خواهد یافت. موسسات مالی مزیت رقابتی کسب می کنند و از طریق ظرفیت شان برای ابداع و اختراع کردن و خلاقیت و نوآوری کردن، عملکرد بهتری را به دست می آورند. دلیل احتمالی که پذیرفتن یا به کارگیری (پیاده سازی) ایده های جدید، محصولات جدید، توانایی بانک ها برای خلاقیت و نوآوری و اصلاح ویژگی ها و مشخصات شرکتی - شان را به دست می گیرد تا معبری را برای بهبود نرخ سود فراهم سازد. این یافته متناسب و سازگار با یافته های چیتا و موتینجا (۲۰۱۸)، کورتز و همکارانش (۲۰۱۵)، صید و همکارانش (۲۰۱۶) و آیادین و کاراسلان (۲۰۱۴) است که از نقش و مشارکت چشمگیر و قابل ملاحظه خلاقیت و نوآوری مالی در عملکرد مالی بانک حمایت کردند.

رقابت بانکی تاثیر مثبت معناداری بر روی ارزش شرکت دارد. بازده دارایی ها هیچ گونه تاثیر معناداری بر روی ارزش شرکت در سطح معناداری یک درصد ندارد. اندازه ی بانک تاثیر منفی معناداری بر روی ارزش شرکت دارد. این به طور ضمنی بدان معناست که یک کاهش یک درصدی در ساینز بانک، ارزش شرکت را در حدود ۷٫۹ درصد افزایش خواهد داد. رشد تولید ناخالص داخلی تاثیر منفی معناداری بر روی ارزش شرکت برای بانک های تجاری خصوصی دارد. این مسئله پیشنهاد می دهد که یک کاهش یک درصدی در رشد تولید ناخالص داخلی به یک افزایش ۴ درصدی در ارزش شرکت منتهی خواهد شد. به طور مشابه، نرخ تورم تاثیر منفی معناداری (چشمگیر و قابل ملاحظه) بر روی ارزش شرکت در سطح معناداری ۵ درصد دارد. تاثیر تعاملی خلاقیت و نوآوری مالی و رقابت بانکی (FI*COMP) تاثیر منفی و

معناداری بر روی ارزش شرکت دارد. این به طور ضمنی به آن معناست که هرچقدر خلاقیت و نوآوری مالی بالاتر باشد، تاثیر رقابت بانکی بر روی ارزش شرکت در سطح معناداری یک درصد منفی تر است.

۵. نتیجه گیری

بحران مالی جهانی سال (۲۰۰۷-۲۰۰۸) غالباً از طریق موج چشمگیر و قابل ملاحظه‌ای خلاق بودن شروع شد که به علت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات کاربردی (به کار رفته) می‌باشد که به صورت جدی چالش را برای بخش مالی مطرح کرد. این مطالعه تاثیر خلاقیت و نوآوری مالی و رقابت بانکی بر روی ارزش شرکتی بانک‌ها را مورد بررسی قرار داد و این کار را با استفاده از داده‌های پانل پویا سیستم گشتاورهای تعمیم یافته برای دوره زمانی (۲۰۱۲-۲۰۲۲) انجام داد که در مجموع ۲۸۹ مشاهده را شامل می‌شد. این مطالعه محدودیت‌های مطالعات قبلی از طریق مطالعه‌ی مقایسه‌ای را مورد توجه و ملاحظه قرار می‌دهد (مثلاً اقتصاد نوظهور و در حال توسعه). یافته‌های تجربی این مطالعه برای سیاست‌گذاران، سرمایه‌گذاران، مدیران و محققان تحقیقی و پژوهشی، چشمگیر و قابل ملاحظه هستند. عوامل تعیین کننده‌ی ارزش شرکت در این مطالعه این موارد هستند: خلاقیت و نوآوری مالی، رقابت بانکی، نرخ سوددهی، اندازه‌ی بانک، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم و تاثیر تعاملی خلاقیت و نوآوری مالی و رقابت بانکی. این مطالعه اعتبار لازم در خصوص معناداری خلاق بودن در نقش بانکداری را فراهم می‌سازد و همچنین هر بخش اقتصاد که برای تداوم و ماندگاری (پایداری) در یک دنیای بیش از پیش جهانی شده، بنیادی و اساسی باشد. نتایج تجربی، شواهد و دلایل عملی-ای را فراهم می‌سازند مبنی بر این که خلاقیت و نوآوری مالی، بهبودها و پیشرفت‌ها را تسهیل می‌نماید (آسان می‌سازد) و از بانک‌ها حمایت می‌کند تا به تغییر مداوم (دائمی) از طریق متنوع سازی الگوهای تقاضا پاسخ دهند. این مسئله این نظریه کلی را تایید می‌کند که خلاقیت و نوآوری مالی، نیروی محرکه‌ی واقعی پیشرفت اقتصادی، رقابتی بودن و رشد و توسعه‌ی اقتصادی است. این مطالعه حاضر در دانش و معلومات موجود نقش و مشارکت داشت زیرا مطالعات قبلی در مورد خلاقیت و نوآوری مالی را عنوان سوددهی (سودآوری) در ارتباط هستند و مکرراً فاقد پایداری منطقی در ادبیات تحقیق موجود بوده‌اند. اول سیاست‌گذاران باید نقاط ضعف را مورد توجه قرار دهند، نقاط ضعفی که به وسیله‌ی بحران مالی نشان داده است و به پیدایش چارچوب نظارتی مالی فعلی متنوع و گوناگونی منتهی شده است تا ریسک‌های را به دست گیرد که فرآیند خلاقیت و نوآوری مالی موجب آن ریسک‌ها شده است. این مطالعه مفاهیم ضمنی و جزئیات بیشتری را فراهم می‌سازد که هدف فرآیند اصلاحاتی (اصلاحی / اصلاح کننده) در هر بخش مالی باید متوازن ساختن خلاقیت و نوآوری و روند پیشرفت از یک سو و ایمنی (امنیت) مالی و ثبات مالی از سوی دیگر باشد. نتایج حاصل از این مطالعه به طور ضمنی به این مفهوم دلالت دارند که مدیریت باید آن را به رسمیت بشناسد که برای ارزش مالی و ثبات بلند مدت شرکت مهم و سرنوشت ساز است؛ بنابراین، انتظار می‌رود که مقررات مناسب در بخش مالی باید بر روی تبلیغ و ترویج رقابت پربازده و سالم و کارآمدی تمرکز داشته باشند که از خلاقیت و نوآوری مالی نیز حمایت می‌کند. مقررات این چنینی باید از مبادله و داد و ستد بین تبلیغ و ترویج رقابت بهره‌برداری کنند که تخصیص اعتبار به

بخش ها و عرصه های تولیدی را بهبود بخشید و عدم موفقیت بانک ها را نیز که نتیجه ی رقابت است، کاهش خواهد داد. در نهایت، سرمایه گذاران، مدیریت و سیاستگذاران باید بر روی تبلیغ و ترویج رقابت سالم و پر منبع و یک محیط توانمند کننده متمرکز شوند که از خلاق بودن حمایت می کند که فرصت های به اشتراک گذاری ریسک را مقدور و میسر می سازد و افزایش ارزش شرکت را نیز متعهد می سازد.

منابع

- دلخواه، جلیل. مشبکی، اصغر. دانایی فرد، حسن. خداداد حسینی، سید حمید (۱۳۹۰). "ارزیابی کارایی بانک های دولتی با بانک های خصوصی در ایران". چشم انداز مدیریت بازرگانی، شماره ششم، دوره ۳۹، تابستان ۱۳۹۰.
- سجادی، حمید. حمیدیان، محسن. اسماعیل زاده مقری، علی (۱۴۰۱). "ارزیابی عملکرد بلند مدت بانک های تجاری مبتنی بر رویکرد مزیت رقابتی پایدار با تاکید بر نقش کارایی مدیریت: رویکردی مبتنی بر مقایسه بانک های دولتی و خصوصی ایران". فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری. سال یازدهم، شماره چهل و یکم. بهار ۱۴۰۱.
- طیبی، سید کمیل. امیدی نژاد، محمد. مطهری نژاد، محمد (۱۳۸۸). "مقایسه کارایی بانک های خصوصی با بانک های دولتی به روش پارامتری". فصلنامه پژوهش های اقتصاد ایران. سال سیزدهم، شماره ۴۱، ۱۳۸۸.
- نبی پورافروزی، مهدی. علی اکبرنیا عمران، مهدی. یزدانجو، مصطفی (۱۴۰۱). "مروری بر فناوری مالی و کاربرد آن برای ایجاد ارزش کسب و کار". مجله علمی و تخصصی علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم. دوره ششم، شماره دوم، پاییز ۱۴۰۱.
- نبی پورافروزی، مهدی. یزدانجو، مصطفی. علی اکبرنیا عمران، مهدی (۱۴۰۱). "بررسی تکنولوژی مالی و بانک: نگاهی به گذشته، حال و آینده". مجله علمی و تخصصی علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم. دوره ششم، شماره دوم، پاییز ۱۴۰۱.
- نبی پورافروزی، مهدی. محمدپور، ولی. علی اکبرنیا عمران، مهدی. یزدانجو، مصطفی (۱۴۰۱). "بررسی اثرات حاصل از رشد و توسعه ی بخش مالی بر روی خلاقیت و نوآوری، شواهدی حاصل از کشورهای در حال توسعه". فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، سال ششم، شماره ۸۷، پاییز ۱۴۰۱.
- Akhisar, İ., Tunay, K. B., & Tunay, N. (2015). The effects of innovations on bank performance: The case of electronic banking services. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 195, 369–375. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.06.336>
- Andries, M. A., & Căpraru, B. (2013). *How does EU banking competition impact financial stability?* Romania: Faculty of Economics and Business Administration, Alexandru Ioan Cuza University.
- Ashby, S. (2010). *The 2007–2009 financial crisis: Learning the risk management lessons*. Nottingham: Financial Services Research Forum.
- Atalay, M., Anafarta, N., & Sarvan, F. (2013). The relationship between innovation and firm

- performance: An empirical evidence from Turkish automotive supplier industry. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 75, 226–235. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.04.026>
- Ayaydin, H., & Karaaslan, İ. (2014). The effect of research and development investment on firms' financial performance: Evidence from manufacturing firms in Turkey. *Bilgi Ekonomisi ve Yönetimi Dergisi*, 9(2), 43–59. <http://www.beykon.org/dergi/2014/FALL/H.Ayaydin.pdf>
- Beck, T., Demirguc-Kunt, A., Levine R. (2006). Bank concentration, competition, and crises: First results. *Journal of Banking and Finance*, 30, 1581–1603. <https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2005.05.010>
- Bhatti G. A., & Hussain, H. (2010). Evidence on structure conduct performance hypothesis in Pakistani commercial banks. *International Journal of Business and Management*, 5(9), 174–187. <https://doi.org/10.5539/ijbm.v5n9p174>
- Bhullar, P. S., & Bhatnagar, D. (2013). Theoretical framework EV vs. stock price: A better measurement of firm value. *International Journal of Commerce, Business and Management*, 2(6), 335–343.
- Blach, J. (2011). Financial innovations and their role in the modern financial system-identification and systematization of the problem. *e-Finanse: Financial Internet Quarterly*, 7(3), 13–26. <https://www.econstor.eu/bitstream/10419/66758/1/68882367X.pdf>
- Boyd, J. H., De Nicolo, G., & Smith, B. D. (2004). Crises in competitive versus monopolistic banking systems. *Journal of Money, Credit, and Banking*, 5, 487–506. <https://doi.org/10.1353/mcb.2004.0041>
- Budhathoki, P. B., Rai, C. K., & Rai, A. (2020). Assessing bank competition in Nepal using the Panzar-Rosse model. *Journal of Asian Finance, Economics, and Business*, 7(11), 759–768. <https://doi.org/10.13106/jafeb.2020.vol7.no11.759>
- Cahyo, H., Kusuma, H., Harjito, D. A., & Arifin, Z. (2021). The relationship between firm diversification and firm performance: Empirical evidence from Indonesia. *The Journal of Asian Finance, Economics, and Business*, 8(3), 497–504. <https://doi.org/10.13106/jafeb.2021.vol8.no3.0497>
- Casu, B., Ferrari, A., & Zhao, T. (2010). Financial reforms, competition, and risk in banking markets. In: F. Fiordelisi, P. Molyneux & D. Perviat (Eds.), *New issues in financial and credit markets* (pp. 111–120). London: Palgrave Macmillan.
- Cherotich, K. M., Sang, W., Mutungu, C., & Shisia, A. (2015). Financial innovations and performance of commercial banks in Kenya. *International Journal of Economics, Commerce, and Management*, 3(5), 1242–1265. <https://doi.org/10.1.1.1037.2798>
- Chipeta, C., & Muthinja, M. M. (2018). Financial innovations and bank performance in Kenya: Evidence from branchless banking models. *South African Journal of Economic and Management Sciences*, 21(1), 1–11. <https://doi.org/10.4102/sajems.v21i1.1681>
- Cortez, M. A. A., Ikram, M. I. N., Nguyen, T. T., & Pravini, W. P. (2015). Innovation and financial performance of electronics companies: A cross-country comparison. *Journal of International Business Research*, 14(1), 166–179. <https://search.proquest.com/openview/8774>
- Dewally, M., & Shao, Y. (2013). Financial derivatives, opacity, and crash risk: Evidence from large US banks. *Journal of Financial Stability*, 9(4), 565–577. <https://doi.org/10.1016/j.jfs.2012.11.001>

- Djalilov, K., & Piesse, J. (2016). Determinants of bank profitability in transition countries: What matters most? *Research in International Business and Finance*, 38, 69–82. <https://doi.org/10.1016/j.ribaf.2016.03.015>
- Duasa, J. (2014). Financial development and economic growth: The experiences of selected OIC Countries. *Int Journal of Economics and Management*, 8(1), 215–228. <http://www.ijem.upm.edu.my/vol8no1/bab12.pdf>
- Dumicic, M., & Ridzak, T. (2013). Determinants of banks net interest margin in Central and Eastern Europe. *Financial Theory and Practice*, 37(1), 1–30. <https://doi.org/10.3326/fintp.37.1.1>
- Gichungu, Z. N., & Oloko, M. A. (2015). Relationship between bank innovations and financial performance of commercial banks in Kenya. *International Journal of Education and Research*, 3(5), 443–456. <https://www.ijern.com/journal/2015/May-2015/39.pdf>
- Hanssens, D. M., Rust, R. T., & Srivastava, R. K. (2009). Marketing strategy and Wall Street: Nailing down marketing's impact. *Journal of Marketing*, 73(6), 115–118. <https://doi.org/10.1509/jmkg.73.6.115>
- Hassene, B. M., Kais, B. M., & Souad, K. (2015). Regulation, market structure, risk, and bank profitability in the emerging countries during the subprime crisis. *Journal of Finance and Economics*, 3(1), 15–19. <https://doi.org/10.12691/jfe-3-1-3>
- Hauser, J., Tellis, G. J., & Griffin, A. (2006). Research on innovation: A review and agenda for marketing science. *Marketing Science*, 25(6), 687–717. <https://doi.org/10.1287/mksc.1050.0144>
- Hinson, R., & Sorensen, O. (2006). E-business and small Ghanaian exporters: Preliminary micro firm explorations in the light of a digital divide. *Online information review*, 30(2), 116–138. <https://doi.org/10.1108/14684520610659166>
- Hoyt, R. E., & Liebenberg, A. P. (2011). The value of enterprise risk management. *Journal of Risk and Insurance*, 78(4), 795–822. <https://doi.org/10.1111/j.1539-6975.2011.01413>
- Hu, T., & Xie, C. (2016). Competition, innovation, risk-taking, and profitability in the Chinese banking sector: An empirical analysis based on structural equation modeling. *Discrete Dynamics in Nature and Society*, 16(20), 1–10. <https://doi.org/10.1155/2016/3695379>
- Instefjord, N. (2005). Risk and hedging: Do credit derivatives increase bank risk? *Journal of Banking & Finance*, 29(2), 333–345. <https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2004.05.008>
- Jihadi, M., Vilantika, E., Hashemi, S. M., Arifin, Z., Bachtiar, Y., & Sholichah, F. (2021). The effect of liquidity, leverage, and profitability on firm value: Empirical evidence from Indonesia. *The Journal of Asian Finance, Economics, and Business*, 8(3), 423–431. <https://doi.org/10.13106/jafeb.2021.vol8.no3.0423>
- Johnson, S., Kwak, J. (2012). Is financial innovation good for the economy? In: Lerner, J. & Stern, S. (Eds.), *Innovation policy and the economy* (pp.1–15). University of Chicago Press.
- Kamau, A., & Were, M. (2013). What drives banking sector performance in Kenya? *Global Business and Economics Research Journal*, 2(4), 45–59.
- Kero, A. (2013). Banks' risk-taking, financial innovation, and macroeconomic risk. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 53(2), 112–124. <https://doi.org/10.1016/j.qref.2013.01.001>

- Lee, S. P., & Isa, M. (2017). Determinants of bank margins in a dual banking system. *Managerial Finance*, 43(9), 630–645. <https://doi.org/10.1108/MF-07-2016-018>
- Lifland, S. (2011). The impact of working capital efficiencies on the enterprise value option: Empirical analysis from the energy sector. *Advances in Business Research*, 2(1), 57–70. <https://journals.sfu.ca/abr/index.php/abr/article/view/51>
- Merton, R. C. (1992). Financial innovation and economic performance. *Journal of Applied Corporate Finance*, 4(4), 12–22. <https://doi.org/10.1111/j.1745-6622.1992.tb00214>
- Napier, M. (2014). Real money, new frontiers: Case studies of financial innovation in Africa. *Financial Innovation Study*, 10(2), 1–10.
- Ndako, U. B. (2010). *Financial development, economic growth, and stock market volatility: Evidence from Nigeria and South Africa* [Doctorate Thesis, University of Leicester]. https://leicester.figshare.com/articles/thesis/Financial_Development_Economic_Growth_and_Stock_Market_Volatility_Evidence_from_Nigeria_and_South_Africa/10098362
- Olalere, O., Islam, A., Yusoff, W. S., & Iqbal, M. M. (2020). Revisiting the impact of intrinsic financial risks on the firm value of banks in ASEAN-5 countries: a panel data approach. *Banks and Bank Systems*, 15(2), 200. [https://doi.org/10.21511/bbs.15\(2\).2020.18](https://doi.org/10.21511/bbs.15(2).2020.18)
- Oyebowale, A. (2019). Determinants of bank lending in Nigeria. *Global Journal of Emerging Market Economies*, 7(1), 15–31. <https://doi.org/10.1177/0974910120961573>
- Pham, T. P., & Quddus, A. (2021). The impact of innovation activities on firm efficiency: Data envelopment analysis. *The Journal of Asian Finance, Economics, and Business*, 8(3), 895–904. <https://doi.org/10.13106/jafeb.2021.vol8.no3.0895>
- Qamruzzaman, M., & Jianguo, W. (2017). Financial innovation and economic growth in Bangladesh. *Financial Innovation*, 3(1), 19. <https://doi.org/10.1186/s40854-017-0070-0>
- Rahman, S. M. K., Chowdhury, M. A. F., & Tania, T. C. (2021). Nexus among bank competition, efficiency, and financial stability: A comprehensive study in Bangladesh. *The Journal of Asian Finance, Economics, and Business*, 8(2), 317–328. <https://doi.org/10.13106/jafeb.2021.vol8.no2.0317>
- Silve, F., & Plekhanov, A. (2015). *Institutions, innovation, and growth: Cross-country evidence* (Working Paper No. 177). European Bank for Reconstruction and Development. https://bg.uek.krakow.pl/e-zasoby/siec_lokalna/Ebor/w177.pdf
- Sinha, P., & Sharma, S. (2016). Determinants of bank profits and its persistence in Indian Banks: A study in a dynamic panel data framework. *International Journal of System Assurance Engineering and Management*, 7, 35–46. <https://doi.org/10.1007/s13198-015-0388-9>
- Smirlock, M. (1985). Evidence on the (non) relationship between concentration and Profitability in Banking. *Journal of Money Credit and Banking*, 17, 69–83. <https://doi.org/10.2307/1992507>
- Syed, A. M., Riaz, Z., & Waheed, A. (2016). Innovation, firm performance and riskiness: Evidence from the leading worldwide innovative firms. *International Journal of Innovation Management*, 20(07), 165–176. <https://doi.org/10.1142/S1363919616500663>
- Tahir, I. M. & Razali, A. R. (2011). The relationship between enterprise risk management (ERM) and firm value: Evidence from Malaysian public listed companies. *International Journal of Economics and Management Sciences*, 1(2), 32–41.
- Tan, Y., & Floros, C. (2014). Risk, profitability, and competition: evidence from the Chinese

- banking industry. *The Journal of Developing Areas*, 48(3), 303–319. <https://doi.org/10.1353/jda.2014.0054>
- Thakor, A. V. (2012). Incentives to innovate and financial crises. *Journal of Financial Economics*, 103(1), 130–148. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2011.03.026>
- Tufano, P. (2003). *Financial innovation*. Amsterdam, Netherland: Elsevier.
- Uddin, S. S., & Suzuki, Y. (2015). The dynamics of concentration and competition in the banking sector of Bangladesh: An empirical investigation. *South Asian Journal of Management*, 22(1), 114. <https://doi.org/10.1504/IJFSM.2014.062293>
- Valverde, C. S., López D. P. R., & Rodríguez, F. F. (2007). Financial innovations in banking: Impact on regional growth. *Regional Studies*, 41(3), 311–326. <http://www.ugr.es/~franrod/Rs2.pdf>
- Yao, H., Haris, M., & Tariq, G. (2018). Profitability determinants of financial institutions: Evidence from banks in Pakistan. *International Journal of Financial Studies*, 6(2), 53. <https://doi.org/10.3390/ijfs6020053>.

The Impact of Creativity and Innovation Financial and Competitive Bank on Firm Value: A Comparative Study between Public and Private Banks

Mehdi Nabi Pourafrozi¹

Mehdi Ali Akbarnia Omran²

Mustafa Yazdanjo³

Date of Receipt: 2022/08/23 Date of Issue: 2022/10/09

Abstract

This study examines the impact of financial creativity and innovation and bank competition on company value. Financial innovation is the act of creating new financial instruments, as well as new financial technologies, new financial institutions, and new financial markets. This study used the Generalized Method of Moments (GMM) system analysis technique, which is based on data extracted from 26 public and private commercial banks located in Iran, and these data were collected during the period between 2012 to 2022 were extracted and included a total of 286 observations. By presenting the results of this study, we understand that financial creativity and innovation have a significant (striking and significant) negative effect on the value of the company in state-owned commercial banks, and bank competition has a significant (striking and significant) negative effect on It is worth participating in state-owned commercial banks. On the contrary, financial creativity and innovation have a significant (striking and significant) positive effect on the company value in private commercial banks, and banking competition has a significant (striking and significant) positive effect on the company value in private commercial banks. Return on assets (ROA), bank size, gross domestic product (GDP) growth, and inflation rate have a significant (striking and significant) relationship with company value. The interactive effect of banking competition and financial innovation creativity (FI*COMP) has a positive and significant relationship with company value in public and private commercial banks. Empirical research and study confirm this general theory that financial creativity and innovation is a real driving force of economic progress, competitiveness, and economic growth and development. According to this study, policy makers should pay attention and consider the weak points that have been exposed by the financial crisis, that are exposed to the various and diverse current financial regulatory frameworks to take the risks of the role and participation that they had by The process of creativity and financial innovation has been proposed.

Keywords

Financial Creativity and Innovation, Firm Value, Bank Competitive, Dynamic Panel Data, Emerging Markets.

1. PhD student, Department of Social and Behavioral Sciences, Finance (Financial Engineering), Faculty of Management, Aras International Campus, Tehran University, Aras, Iran.
2. Assistant professor and faculty member of Amol Higher Education Institute.
3. PhD student, Department of Social and Behavioral Sciences, Finance (Financial Engineering), Faculty of Management, Aras International Campus, Tehran University, Aras, Iran.